

نگاهی به درخت و جنگل در متون دینی

آیت الله ابراهیم کریمی

تعریف جنگل

پهنه وسیعی از زمین که با درختان و درختچه‌ها پوشیده شده باشد و نیز مجموعه‌ای از این درختان و درختچه‌ها.^۱ توده انبوهی از درختان و سایر نباتات چوبی و علفی که نسبتاً سطح وسیعی را در بر گرفته و شامل چند اشکوب مرکب از انواع گونه‌های مختلف است که حد متوسط بلندی درختان آنها کمتر از پنج متر نباشد.^۲

فوائد جنگل

جنگل در حفظ آب و خاک و وحوش، جلوگیری از فرسایش و سیل، نیز برای تهیه چوب اهمیت حیاتی دارد.^۳

۱ - دایرة المعارف فارسی، تهران، مرکز دائره المعارف، چاپ دوم، ۱۳۸۰ش، ج ۲، ص ۷۶۱.
۲ - مقدمه‌ای بر دام و مرتع، محسن شوکت فدایی، تهران، دفتر طرح و برنامه ریزی و هماهنگی امور پژوهشی، چاپ اول، ۱۳۷۸، ص ۱۹.
۳ - دایرة المعارف فارسی، ج ۲، ص ۷۶۱.

درختان، شفا دهندگان بزرگ طبیعت‌اند، آنان با تاثیر گذاردن روی باد، دما، رطوبت و بارندگی، به کنترل اقلیم کمک می‌کنند، جنگل‌ها، آب را جذب کرده، نگه می‌دارند و به آرامی رها می‌سازند که در نتیجه، فرسایش و سیل را کاهش داده و زمینه نفوذ آب در سفره‌های آبی زیر زمینی را فراهم می‌کنند، به علاوه جنگل‌ها، زیست‌گاه‌هایی برای حیات وحش و مراتعی برای دام‌ها فراهم آورده، در جذب برخی از آلاینده‌های هوا، و سر و صدا کمک کرده و روان انسان را با فراهم آوردن گوشه‌ی عزلت و زیبایی متمکن می‌سازند.^۱

مساحت جنگل‌ها

مساحت جنگل‌های موجود در جهان را نزدیک به ۴ میلیارد هکتار یعنی حدود ۲۹ درصد کل خشکی بر آورد می‌نمایند $\frac{۲}{۳}$ آن در نیمکره شمالی و $\frac{۱}{۳}$ دیگر در نیمکره جنوبی قرار دارد.

تقسیم دیگر این که $\frac{۱}{۳}$ این جنگل‌ها سوزنی برگ بوده که اختصاص به مناطق معتدل و سرد و ارتفاعات دارد و $\frac{۲}{۳}$ آن را جنگل‌های پهن برگ تشکیل می‌دهد که در مناطق معتدل مخلوطه هر دو دسته پهن برگان و سوزنی برگان دیده می‌شوند. حدود $\frac{۱}{۵}$ میلیارد هکتار از این جنگل‌ها تحت بهره برداری قرار دارند.^۲

انواع جنگل‌ها

جنگل‌های زمین را می‌توان به سه نوع تقسیم کرد:

۱- جنگل‌های استوایی: این نوع جنگل‌ها عبارتند از جنگل‌های بسیار گرم و

۱- اخلاق زیست محیطی پیامبر اکرم - صلی الله علیه وآله -، تقی متقی، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، اسفند ۱۳۸۶ش، ص ۹۴ - ۹۵.

۲- محمد خسرو شاهی و شهاب الدین قوامی، دفتر ترویج و مشارکت مردمی، سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور، چاپ سوم، ۱۳۷۷ش، ص ۲۶.

مرطوب و پیوسته سبز نواحی استوایی که در آنها بارش، بسیار سنگین است و فصل خشک وجود ندارد. به سبب حرارت شدید و رطوبت، این جنگل‌ها انبوه و پر پشت است و بسیاری از درختان آنها، در تلاش برای استفاده از نور آفتاب، به ارتفاعات عظیم می‌رسند و بعضی دیگر با پیچیدن به درختان دیگر از آفتاب بهره‌ور می‌شوند. درختان این جنگل‌ها متنوع است و از جمله آنها سخت‌چوبهای استوایی گرانبها مانند: ماهوگانی و آبنوس می‌باشد، درخت کائوچوی وحشی نیز بومی جنگل‌های استوایی است.

از جنگل‌های استوایی عمده می‌توان جنگل‌های آمازون و کنگو و بیشتر جزایر هند شرقی را نام برد.

۲- جنگل‌های برگریز: این نوع جنگل‌ها مرکب از درخت‌هایی است که در فصلی از فصول سال برگ‌هایشان می‌ریزد، در جنگل‌های نواحی بادهای موسمی، مانند هند و برمه، درختان در فصل گرما برگ می‌ریزد تا خود را در مقابل تبخیر که سبب از دست رفتن شدید رطوبت است حفظ کنند. در جنگل‌های برگریز نواحی خنک مانند اروپا، برگریزی در پاییز صورت می‌گیرد تا بدین وسیله درختان خود را از سرما و یخبندان زمستان حفظ کنند. بسیاری از چوب‌های بادوام و گرانبها و بسیار سخت مانند تک، از جنگل‌های خنک چوب بلوط، نارون و راش حاصل می‌شود.

۳- جنگل‌های مخروطی: این نوع از جنگل‌ها مرکب از درختان پیوسته سبز و مخروطی و دارای برگ‌های سوزنی هستند. نرمچوب‌های تجاری از این جنگل‌ها به دست می‌آید، عمده‌ترین و پهناورترین جنگل‌های مخروطی زمین به شکل کمربند عظیمی در کانادای شمالی و قسمت شمالی اروپا، و زبانه‌هایی از آن به طرف جنوب، بر مرتفعات (مانند کوه‌های روشوز) و هم در کوهستان‌های بسیار جنوبی‌تر (مانند آلپ) ممتد است. در نواحی استوایی، فقط در ارتفاعات زیاد (مثلا در قسمتهایی از آفریقای شرقی) جنگل‌های مخروطی دیده می‌شود. این

نوع از جنگل‌ها مسکن بسیاری از جانوران دارای پوست گرانبها است.^۱

اهمیت درخت و جنگل در اندیشه های دینی

اهمیت جنگل‌ها در گسترش صنایع چوبی گوناگون، تامین انرژی مورد نیاز بشر و کاربرد چوب در بناها، امروز بر کسی پوشیده نیست. از این رو حفظ و سلامت و رشد و توسعه دامنه جنگل‌ها و مراتع از وظایف اسلامی و اجتماعی مسلمانان محسوب می‌شود و باید بدانیم که تبیین مبانی اسلامی آن برای مردم و مسئولان مربوطه، نقش اساسی را در انجام این وظیفه، بر عهده خواهد داشت. لذا لازم است که دلسوزان جامعه و درست اندر کاران مسائل محیط زیست و منابع طبیعی از تاثیر شگرفی که تلاش‌های فرهنگی و دینی در قلمرو سالم سازی محیط زیست و حفظ منابع طبیعی دارد، غفلت نکنند و سهم روشنگری دینی را در این باره دست کم نگیرند.

جنگل‌ها و مراتع به عنوان بخش عمده از انفال و به عنوان یکی از مواهب بزرگ الهی، بستر حیات مادی، اجتماعی و اقتصادی، میراث نسل‌ها، عامل نگهدارنده تعادل اکولوژیک، پشتوانه کشاورزی و به عنوان محور توسعه، باید جایگاه واقعی خود را در برنامه ریزی و مدیریت هر جامعه‌ای پیدا کرده و حفظ شود.^۲

۲- درختان و جنگل در قرآن کریم

در قرآن کریم، از جنگل و مرتع با واژه‌هایی چون "جنت و معروشات"، "نبات" "زوج کریم"، "جنت الفاف" "حدائق غلب"، "اب" و "مرعی" یاد شده است. لذا درخت و جنگل از نعمتهای بزرگ الهی است که می‌بایست قدر آنها را دانست و

۱ - دایره المعارف فارسی، ج ۲، ص ۷۶۱.

۲ - مبانی حفاظت از محیط زیست در اسلام، صادق اصغری لقمجانی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، اول، ۱۳۷۸ش، ص ۱۷۸.

آنها را پاس داشت، بی‌تردید بهره برداری بی‌رویه و اسراف در این نعمت که بخشی عظیمی از نیازهای انسان را برآورد می‌سازد، ناروا و مورد غضب خداوند متعال خواهد بود، چون این واقعیت را خداوند در این آیه نشان داده است:

﴿ وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْثُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرَّمَانَ مُمْتَشَاهَا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ﴾^۱

در آیه شریفه معارف بزرگ الهی چون: خداشناسی، نعمت شناسی، درخت شناسی، گیاه شناسی و احکامی که نسبت به این معارف باید رعایت کرد، پرداخت حقوق بینوایان، پرهیز از اسراف و تبذیر و بالاخره غضب الهی نسبت به متجاوزان ذکر شده است که این در جای خود معجزه ای است بزرگ و شگفت آور.

علامه طبرسی در معنای این آیه شریفه می‌نویسد:

«اوست آن خدایی که بی‌هیچ نمونه و سابقه‌ای بوستان‌ها و باغ‌های پوشیده از درختان گوناگون پدید آورد. برخی از این درختان برافراشته و بر روی پاها بالا رفته‌اند و برخی بر روی ساقه و تنه خود بدون داربست ایستاده‌اند.

به باور برخی از جمله ابن عباس و... منظور از درختانی که بر پاها و داربست‌ها برافراشته‌اند، درختان انگور می‌باشند، اما به باور ابو علی منظور این است که به وسیله شاخه‌ها برای درختان دیواری پدید می‌آورند. به باور ابن عباس "غیر معروشات" درختانی هستند که در کوه‌ها و جنگل‌ها و صحراها می‌روید.^۲»

علامه طباطبایی نیز تقریباً همان نظر علامه طبرسی را پذیرفته است^۳ و

۱ - سوره انعام (۶) آیه ۱۴۱.

۲ - تفسیر مجمع البیان، فضل بن حسین طبرسی، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ ق، ج ۴، ص ۱۷۷.

۳ - المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمد حسین طباطبایی، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۱ ق، ج ۷، ص ۳۶۳.

آیت الله مکارم شیرازی هم بعد از نقل احتمالات، همان نظر استاد علامه را می‌پذیرد و می‌افزاید:

«شاید ذکر "معروشات" در آغاز سخن به خاطر ساختمان عجیب و شگفت انگیز این نوع درختان است، یک نگاه کوتاه به درخت انگور و ساقه و شاخه پر پیچ و خم آن، که با قلاب‌های مخصوصی مجهز است، و خود را با اشیا به اطراف می‌چسباند تا کمر راست کند، شاهد این مدعاست.^۱»

در ادامه این آیه شریفه خداوند به دو نوع از جنات اشاره می‌کند و می‌فرماید:

﴿وَالنَّخْل وَالزَّرْعُ مُخْتَلِفًا أُكْلُهُ﴾

معنایش این است که خوردنی‌ها و دانه‌های آن زرع مختلف است، یکی گندم است و یکی جو، یکی عدس است و آن دیگری نخود.^۲ خرما و کشتزارها را به میوه‌های گوناگون و طعم‌های مختلف پدید آورد، که با وجود شباهت‌های این گل‌ها و گیاهان و درختان و شاخ و برگ و ساقه و تنه و ساختمان بهت‌آور ظاهرشان با هم میوه و دانه و گل آنها از نظر رنگ، بو، شکل، مزه، با هم ناهمانندند و همه آنها یا هر کدام، دلیل روشنی بر یکتایی و قدرت و حکمت و دانش بی‌کران آفریدگار خود می‌باشند.^۳

طبری نیز احادیثی در ذیل این آیه نقل کرده و اظهار نظر می‌کند و می‌گوید:

«منظور از "معروشات" آنچه که مردم با دست خویش در زمین می‌کارند و منظور از "غیر معروشات" آن باغ‌هایی است که دست مردم در ساختن آن دخالتی ندارد. بلکه خدا خالق آنهاست که در بیابان‌ها و کوه‌ها وجود دارند.^۴»

قرطبی نیز عین همین مطالب را گفته و ذیل آن به ذکر یک روایت از علی بن

۱ - تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، ج ۶، ص ۳.

۲ - المیزان، سید محمد حسین طباطبایی، ج ۷، ص ۳۶۳.

۳ - تفسیر مجمع البیان، فضل بن حسن طبرسی، ج ۴، ص ۱۷۷.

۴ - جامع البیان، ابن جریر طبری، ج ۸، ص ۶۰.

ابی طالب - علیه السلام - اکتفا نموده که آن حضرت به جای "معروشات و غیر معروشات" "مغروسات و غیر مغروسات" قرائت می نمود^۱ که اشاره به جنگل های طبیعی و غیر طبیعی دارد.

سید محمود آلوسی هم همین عقیده را دارد که جنگل ها از نعمتهای خداوند است که در اختیار آدمیان نهاده و مومنان باید در پاس داری و شکرگزاری این نعمت بکوشند و از هرگونه بهره‌وری نادرست بهره‌یزند و اسراف و زیاده روی نکنند که «خداوند اسراف کاران را دوست نمی دارد».

آیه دیگری که در مورد جنگل ها در قرآن کریم آمده است می فرماید:

﴿أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا وَعِنَبًا وَقَضْبًا وَ

زَيْتُونًا وَنَخْلًا وَحَدَائِقَ غُلْبًا وَفَاكِهَةً وَأَبًّا مَتَاعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ﴾^۲

«بارانی از آسمان فرو فرستادیم، آنگاه زمین را شکافتیم و در آن دانه ها

رویاندیم و انگور و سبزی ... و بوستان های بزرگ با درختان ستبر ...

برای بهره‌گیری شما و حیوانات شما.»

عده‌ای از مفسران، جمله ﴿وحدائق غلبا﴾ را به باغ‌ها و بوستان‌هایی که درختانی ستبر و پر شاخ و برگ دارند تفسیر کرده اند. برخی دیگر گفته‌اند: مقصود از آن، باغی است که دور آن را دیوار کشیده باشند.

به نظر می‌رسد این آیه شریفه، معنی جامع‌تر و گسترده‌تر را در بر دارد؛ زیرا "حدیقه" در زبان عربی به معنای باغ و بوستان و یا قطعه‌ای از زمین است که به دلیل داشتن آن، درختانی انبوه و در هم پیچیده دارد. بنابراین، وجود دیوار اطراف باغ، جزء معنی "حدیقه" نیست، همان‌گونه که در کتاب التحقیق فی کلمات القرآن آمده:

«... از تعبیرهایی که لغت‌شناسان درباره "حدیقه" دارند استفاده می‌شود

که دارا بودن دیوار و درختان مخصوص، جزء معنی آن نیست، بلکه هر

۱ - الجامع لاحکام القرآن، محمد بن احمد قرطبی، قاهره، دار الحدیث، ۱۴۲۳، ج ۴، ص ۳۹۰.

۲ - سوره عبس (۸۰) آیه ۲۵-۳۲.

درختی که نظاره به آن برای انسان شادی آفرین باشد و دارای حدی مخصوص "حدیقه" است که به طور غالب، درختانی انبوه و فشرده دارند.^۱ به فرض که "حدیقه" به همان معنی باغ و بوستانی باشد که دیواری به دورش کشیده اند، یا درختانی ویژه‌ای دارد، در این آیه شریفه، شاهدی داریم که "حدیقه" به معنی باغ‌های متداول امروزی نیست و آن کلمه "غلب" است که به معنای ستبر و در هم پیچیده و انبوه است، و ما را بدین مطلب رهنمون می‌سازد که مقصود خداوند از باغ و بوستان در این آیه شریفه، مجموعه‌ای از درختان ستبر و بزرگ پرشاخ و برگ و در هم پیچیده است که امروزه چنین مجموعه‌ای را در زبان فارسی، "جنگل" می‌گویند. هم‌چنین برخی از مفسران قرآن کلمه "قضباً" را به معنی همه گیاهانی دانسته‌اند که در زمین می‌رویند و آن را به گونه‌ای معنا کرده‌اند که جنگل‌ها را نیز در بر می‌گیرند.^۲

چند نکته در مورد این آیه شریفه:

۱- آیه ﴿فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ﴾ به ضمیمه آیات بعد، انسان را به این نکته رهنمون می‌سازد که گیاهان، مرتع‌ها، درختان، و جنگل‌ها از مهمترین منابع تامین غذایی بشر و از نعمتهای بزرگ خداست، از این رو، باید قدر آنها را دانست و در حفظ و بالندگی آنها کوشید.

۲- بر اجزا و عناصر پیکره شکوهمند طبیعت، نظمی ویژه حاکم است. این معنا را از آیات ﴿إِنَّا سَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا...﴾ به بعد که به هماهنگی و ارتباط منظم آب، زمین، گیاه و... اشاره می‌کنند، درمی‌یابیم، به این صورت که: باید باران از آسمان فروریزد، بذرها زمین را بشکافند و از دل خاک بیرون آیند، گیاهان روئیده شوند، درختان به ثمر بنشینند، جنگل‌ها و مرتع‌ها پدید آیند تا حیوانات نیز از آن بخورند، و در نتیجه فعالیت‌های هماهنگ و شگفت آور این همه عناصر طبیعی، غذای بشر فراهم آید.

۱- التحقیق فی کلمات القرآن، حسن مصطفوی، ج ۲، ص ۱۹۳.

۲- گیاهان و زندگی در اندیشه دینی، سید علی حسینی، ص ۵۶-۵۷.

۳- نخستین ثمره آمیزش آب و خاک، رویش غلاتی همچون گندم و جو است که بخش عظیمی از تغذیه انسان و حیوان را تامین می کنند. آیات^۱ دیگر نیز بر این امر صراحت دارد.

۴- گرچه همه گیاهان و میوه ها به نحوی برای انسان سودمند هستند، اما برخی از آنها نقش مهمتر و مستقیم تر در زندگی او دارند. در این آیات ﴿عنباً و قصباً وزیتوناً ونخلاً﴾ انگور، انواع سبزی ها، زیتون، و درخت خرما در زمره این میوه ها قرار گرفته اند.

۵- قرآن کریم در پایان این دسته از آیات، تعبیری ویژه، دقیق و جامع درباره گیاهان و درختان به کار می برد، و آن کلمه "متاع" است. می فرماید:

﴿متاعاً لکم ولانعامکم﴾

«گیاهان، درختان، جنگل ها و مرتع ها، متاع زندگی بشرند.»

متاع یعنی ابزار بهره‌وری، و به هرچیزی که انسان برای بهبود و بقای حیات خود از آن بهره برد، اطلاق می شود. شیخ طوسی در این باره می نویسد:

«در زبان عربی به خوردنی، دیدنی، بوییدنی، چشیدنی، و لمس کردنی و.. که برای انسان لذت آور باشد، متاع گویند.»^۲

آری! درختان، لذیذترین میوه ها را به ثمر می نشینند، چشم انداز زیبای شاخ و برگ‌هایشان روح انسان را نوازش داده و بدان آرامش می بخشد، و به دلیل لطافت و طراوتی که دارند همچواری با آنها، لذت آور و شادی آفرین است.^۳ آیه دیگری که در مورد درخت و جنگل در قرآن مجید آمده، این است:

﴿وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَبَاجاً يُنْخِرُ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا وَجَنَّاتٍ أَلْفَافًا﴾^۴

۱- سوره انعام (۶) آیه ۹۴.

۲- التبیان فی تفسیر القرآن، محمد بن حسن طوسی، ج ۱۰، ص ۳۷۶.

۳- مجله فرهنگ جهاد، شماره ۱، ص ۱۵۲.

۴- سوره نبا (۷۸) آیه ۱۴-۱۶.

«از ابرهای باردار آبی بسیار روان و ریزان فرو فرستادیم تا بدان دانه ها و

گیاهان بیرون آریم و بوستان هایی از درختان انبوه.»

خداوند در آیه شریفه باز هم به نعمتهایی چون ابر و باران که نتیجه آن رویش دانه ها و گیاهان است و باغ های پر درخت، اشاره نموده است که چنین کلمات آن هر خواننده را به خود جذب می کند.

﴿جنات الفاف﴾ به معنای مجموعه هایی از درختان انبوه و در هم پیچیده است که پوشش گیاهی و سرسبزی را رقم زده است.

شیخ طوسی در ذیل این آیه چنین نوشته است:

﴿جنات الفاف﴾ یعنی بوستانهایی که درختانش درهم پیچیده و

خداوند خود آنها را با آب باران برای بندگان رویانیده است و این

مجموعه های پر درخت را از آن روی "جنات" (بوستان ها) می گویند که

درختان پر شمارش به سان پوشش فشرده زمین را می پوشاند و "الفاف"

جمع "لف" به معنای اشیایی است که در هم آمیخته و برخی از آنها بر

برخی دیگر پیچیده باشد^۱.

بدین سان ﴿جنات الفاف﴾ همان جنگل ها و درختان خودرو، انبوه و درهم

پیچیده است. واژه "نبات" در این آیه نیز به معنای هر گیاهی است که از زمین

بروید، چه انسان آن را بکارد، چه خود از زمین سر بر آورد و ببالد. از این روی،

مفهوم "نبات" به روشنی جنگل ها و مرتع ها را نیز در بر می گیرد.

علامه طبرسی در توضیح آن چنین نوشته است:

«نبات گیاهان و علف های مرتعی و علف هایی است که در مزرعه می روید

و خداوند در این آیه همه آنچه را از زمین می روید، بیان فرموده و "جنات

الفاف" به معنای بوستانهایی است که آکنده از درختان انبوه و در هم

پیچیده است.^۲

۱- التبیان فی تفسیر القرآن، محمد بن حسن طوسی، ج ۱۰، ص ۲۴۱.

۲- تفسیر مجمع البیان، فضل بن حسن طبرسی، ج ۱۰، ص ۲۴۰.

نتیجه آن شد که این آیه درباره جنگل‌ها، مرتع‌ها و دیگر گیاهان است و خداوند آنها را از نعمتهای خود بر می‌شمارد و انسان را بدین نکته مهم تنبّه می‌دهد که «نعمت»^۱ و «روزی»^۲ در زندگی بشر از جایگاهی ارجمند برخوردار است. این نعمت را خداوند در قلمرو سلطه و تسخیر آدمیان قرار داد تا از آن بهره‌برند و به تناسب نیازهای خود در شکوفایی و رشد کمی و کیفی آنها بکوشند و شکرگزار باشند.^۳

کلمه درخت (شجر) در قرآن کریم مجموعاً ۲۷ مرتبه^۴ به کار رفته است که ۸ مرتبه آن «شجر» و بقیه «شجره» آمده است.

واژه «شجره» در قرآن کریم

میان لغت شناسان زبان عربی در معنی «شجر» اندکی اختلاف نظر است ولی بیشتر لغت شناسان و مفسران «شجر» را این طور معنی کرده‌اند:

«شجر» به معنای گیاهی است که تنه و ساقه داشته باشد^۵، که در زبان فارسی آن را «درخت» می‌گویند. اما در مقابل آن «حشیش، نجم و...» به معنی گیاهانی است که ساقه و تنه ندارند.^۶ اینجاست که در این تحقیق، اول در مورد «درخت و جنگل» پرداخته است و در نوبت بعد در مورد «گیاهان و مراتع» بحث

۱ - سوره رحمن (۵۵) آیات: ۶ و ۱۰ - ۱۳.

۲ - سوره ابراهیم (۱۴) آیات ۳۲-۳۴؛ سوره نحل (۱۶) آیه ۶۷، سوره ق (۵۰) آیات ۹-۱۱.

۳ - طبیعت در سیره نبوی، محمد حسن حیدری و سید علی حسینی و دیگران، قم آیه حیات، ۱۳۸۵ ش، ص ۱۹۱.

۴ - سوره نساء (۴) آیه ۶۵؛ سوره نحل (۱۶) آیه ۱۰ و ۶۸؛ سوره حج (۲۲) آیه ۱۸؛ سوره یس (۳۶) آیه ۸۰؛ سوره رحمن (۵۵) آیه ۶؛ سوره واقعه (۵۶) آیه ۵۲؛ سوره نمل (۲۷) آیه ۶۰؛ سوره بقره (۲) آیه ۳۵؛ سوره اعراف (۷) آیات ۱۹ و ۲۰ و ۲۲؛ سوره ابراهیم (۱۴) آیه ۲۴ و ۲۶؛ سوره اسراء (۱۷) آیه ۶۰؛ سوره طه (۲۰) آیه ۲۰؛ سوره مؤمنون (۲۳) آیه ۲۰؛ سوره نور (۲۴) آیه ۳۵؛ سوره قصص (۲۸) آیه ۳؛ سوره لقمان (۳۱) آیه ۲۷؛ سوره صافات (۳۷) آیه ۶۲ و ۶۴ و ۱۴۶؛ سوره دخان (۴۴) آیه ۴۳؛ سوره فتح (۴۸) آیه ۱۸؛ سوره واقعه (۵۶) آیه ۷۲.

۵ - معجم مفردات القرآن، راغب اصفهانی، ص ۴۴۶؛ المیزان، همان، ج ۱۲، ص ۲۱۴؛ التیان، ج ۶، ص ۳۶۴؛ قاموس، ج ۴، ص ۷.

۶ - همان.

شده است. چون از لحاظ سنخیت، چنین تقسیمی درست به نظر می‌رسد. به عنوان نمونه، ذکر قول برخی از لغت‌شناسان و قرآن‌پژوهان در مورد "شجر" مناسب است یکی از قرآن‌پژوهان می‌گوید:

«هرچه از رویدنی‌ها تنه دارد شجر است و آنچه تنه ندارد نجم و عشب و حشیش است.»^۱

«هرگیاهی که از زمین سربر می‌آورد و تنه و برگ داشته باشد شجر است و جمع آن اشجار می‌باشد.»^۲

البته فقط در یک جای قرآن «شجر»^۳ به معنی "مشاجره و تنازع" استعمال شده است. علاوه بر آن، در آیات مختلف قرآن به درختانی چون درخت خرما، درخت انگور، درخت زیتون، درخت انار، درخت سدر، اشاره شده است که هر کدام نشانی از نشانه‌های قدرت و عظمت خدای یکتاست. لذا در اینجا به برخی از این آیات اشاره می‌شود:

۱- خضوع و خشوع درخت در مقابل خالق هستی:

﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَمَن فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِّنَ النَّاسِ وَ...﴾^۴

«آیا نمی‌بینی که سجده می‌کنند برای خداوند هر کس در آسمان‌ها و زمین است و خورشید و ماه و ستارگان و کوه‌ها و درخت و جنبندگان و تعداد بی‌شماری از مردم...»

﴿وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ﴾^۵

«ستارگان و درخت در حال سجده‌اند.»

در این دو آیه شریفه، سخن از سجده موجودات از جمله "درخت" در برابر

۱ - قاموس قرآن، سید علی اکبر قریشی، ج ۴، ص ۷.

۲ - التبیان، محمد بن حسن طوسی، همان، ج ۶، ص ۳۶۴.

۳ - سوره نساء (۴) آیه ۶۵.

۴ - سوره حج (۲۲) آیه ۱۸.

۵ - سوره رحمن (۵۵) آیه ۶.

خالق هستی به میان آمده است اما مقصود از این سجده چیست و چگونه صورت می پذیرد؟ این مطلب در تشریعیات و تکوینیات بحث می شود که علامه طباطبایی در این مورد چنین عبارتی دارد:

«حال با توجه به معنای این واژه و اقسام آن^۱ می‌گوییم در آیه مذکور چون خداوند بحث سجده را به غیر عقلا از قبیل خورشید و ماه و ستارگان و کوه‌ها و درختان نسبت داده، خود دلیل بر این است که مراد از آن سجده تکوینی است نه سجده تشریحی و تکلیفی... و می‌فهماند که معنای کلام این است که مخلوقات علوی و سفلی، چه آنها که عقل دارند و چه آنها که ندارند، در وجودشان خاضع و متذلل در برابر عزت و کبریایی خدایند، و مدام با هستی خود به طور تکوینی و اضطرار سجده می‌کنند.»^۲

۲- درخت نشانه‌ای بر قدرت خداوند

ما هر گاه به درخت می‌نگریم، پیش از هرچیز، محو جمال ظاهری آن و برگ و شکوفه و میوه‌اش می‌شویم و کمتر کسی یافت می‌شود که از این پرده و حجاب ظاهری عبور کرده، به عمق و معنا و حقیقت مطلب پی ببرد.

﴿أَمْنَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ أَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنْبِتُوا شَجَرَهَا أَلَيْسَ اللَّهُ بِلَهُمْ قَوْمٌ يَعْتَدِلُونَ﴾^۳

«[آیا بتهایی که معبود شما است بهترند] یا کسی که آسمانها و زمین را آفریده؟! و برای شما از آسمان، آبی فرستاد که با آن، باغ‌هایی زیبا و سرور انگیز رویانندیم، شما هرگز قدرت نداشتید درختان آن را برویانید! آیا

۱ - معنای سجده، خضوع و اظهار فروتنی است و آن به دو قسم "تشریحی" و "تکوینی" تقسیم می‌شود.

۲ - المیزان، محمد حسین طباطبایی، ج ۱۴، ص ۳۶۰.

۳ - سوره نمل (۲۷) آیه ۶۰.

معبود دیگری با خداست؟ نه، بلکه آنها گروهی هستند که [از روی نادانی، مخلوقات را] همطراز [پروردگارشان] قرار می دهند.»

در آیات دیگر قرآن نیز پرسشهایی مطرح است که پاسخ آن را از منکران توحید طلب می کند، می فرماید:

﴿أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ ءَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ ... ءَأَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنْشِئُونَ﴾^۱

«آیا هیچ دربارۀ آنچه کشت می کنید اندیشیده اید؟ آیا شما آن را می روینید یا ما می روینیم؟ ... آیا شما درخت آن را آفریده اید یا ما آفریده ایم؟»

کار انسان تنها بذر افشانی و آبیاری و مانند آن است. اما کسی که حیات را در دل این بذر کوچک آفریده، و به آن قدرتی داده که [زمین را شکافته و سر خود را از آن بیرون بیاورد] و تبدیل به درخت بلند قامت بارور و خرم و سرسبز گردد که مشاهده منظره آن در باغها، انسان را به وجد و سرور می آورد، تنها خداست.^۲

در تفسیر نمونه بحث زیبایی در ذیل این آیات مطرح شده که توجه به آن به دریافت مقصود کمک شایانی می نماید:

«... [در امر زراعت] کار انسان تنها کشت است، اما روینیدن تنها کار خداست و لذا در حدیثی از پیغمبر اکرم - صلی الله علیه و آله - نقل شده که فرمود: لَا يَقُولَنَّ أَحَدُكُمْ زَرَعْتُ وَ لِيَقُلَّ حَرَثْتُ، فَإِنَّ الزَّارِعَ هُوَ اللَّهُ؛ هیچ یکی از شما نگوید: من زراعت کردم، بلکه بگویند کشت کردم؛ زیرا زارع حقیقی خداست. شرح این دلیل چنین است که انسان کاری را که در مورد زراعت می کند بی شباهت به کار او در مورد تولد فرزند نیست. دانه ای را می افشاند و کنار می رود، این جداوند است که در درون دانه، یک سلول زنده بسیار کوچک آفریده که وقتی در محیط مساعد قرار گرفت در آغاز

۱ - سوره واقعه (۵۵)، آیات ۶۳ و ۶۴ و ۷۲.

۲ - پیام قرآن، مکارم شیرازی، ج ۲، ص ۳۰۴.

از مواد غذایی آماده در خود دانه استفاده می کند، جوانه می زند، ریشه می دواند سپس با سرعت عجیبی از مواد غذایی زمینی کمک می گیرد، و دستگاه های عظیم و لابراتوارهای موجود در درون گیاه به کار می افتد و غوغایی بر پا می کند، ساقه و شاخه و خوشه را می سازد و گاه از یک تخم صدها یا هزاران تخم بی می خیزد...^۱

انسان اگر از این پرده و حجاب جمال برگ و شکوفه ظاهری درخت عبور کند نه تنها برای او درس خداشناسی است بلکه از باده توحید سرمست و از جام عبودیت سیراب و مسحور و مفتون می گردد.

۳- استفاده از درخت برای تمثیل

خالق هستی در آیات متعددی از قرآن کریم، برای تفهیم برخی از حقایق معنوی و ماوراء طبیعی به مخاطبان خود از تمثیل اشیای محسوس و ملموس استفاده کرده است که از جمله آن اشیا، درخت است.

تشبیه "کلمه طیبه" به درخت تنومند و ریشه دار:

﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَضَلُّهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا...﴾^۲

«آیا ندیدی چگونه خداوند کلمه طیبه [و گفتار پاکیزه] را به درخت پاکیزه ای تشبیه کرده که ریشه آن [در زمین] ثابت و شاخه آن در آسمان است، میوه های خود را هر زمان به اذن پروردگارش می دهد...».

با نگاه دقیق به این آیه شریفه سوالاتی در ذهن آدمی پدید می آید که اولاً مقصود از "کلمه طیبه" چیست؟ و ثانیاً شجره طیبه چیست؟ و چرا آن اولی را به دومی تشبیه کرده است؟

در پاسخ این پرسش ها، مفسر گران قدر علامه طباطبایی چنین می نویسد:

۱ - تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، همان، ج ۲۳، ص ۲۴۹.

۲ - سوره ابراهیم (۱۴) آیه ۲۴-۲۵.

«... مراد از "کلمه طیبه" که به درخت طیبه تشبیه شده است و صفاتی چنین و چنان دارد، عبارت است از عقاید حقی که ریشه اش در اعماق قلب و در نهاد بشر جای دارد... البته نه هر کلمه‌ای که لفظ باشد بلکه کلمه از این جهت که بر اساس اعتقاد و عزم راسخ استوار بوده و صاحبش پای آن می‌ایستد، و عملاً از آن منحرف نمی‌گردد... و همانا کلمه توحید است.»^۱

علامه طبرسی در ذیل این آیه می‌نویسد:

«به باور ابن عباس، منظور از "کلمه طیبه" اصل توحید و گواهی بر یکتایی خداست، و نیز منظور از "شجره طیبه" درخت نخل است که آن را انس بن مالک از پیامبر گرامی نقل کرده و ربیع ابن انس هم می‌گوید: منظور از "کل حین" هماره و هر دم و هر لحظه است، زیرا ثمره نخل، هماره می‌تواند مورد بهره برداری قرار گیرد. در روایت دیگر از امام صادق - علیه السلام - نقل نموده که می‌فرماید: منظور از درخت پاکیزه و بارور و ریشه دار، پیامبر گرامی - صلی الله علیه وآله - و تنه، تبار آن حضرت یعنی علی و فاطمه، و میوه آن فرزندان فاطمه، و شاخ و برگ آن شیعیان و پیروان راستین خاندان وحی و رسالت است. روایتی دیگر نیز ابن عباس از پیامبر اعظم - صلی الله علیه وآله - نقل می‌کند که تقریباً شبیه همین روایت امام باقر - علیه السلام - است.»^۲

آری! همین خاندان عصمت و طهارت هستند که بسان درختی ریشه دار و بالنده در اعماق جان و ژرفای دل انسان با ایمان استوارند، درست همان گونه که نخل در دل زمین. دانش و آگاهی انسان از خاندان رسالت، بسان شاخه‌های نخل است که سر به آسمان دارد، و عملکرد شایسته و ارزشمند هر انسان با ایمان که بر اساس عدالت، انصاف، احسان، تقوا و بشر دوستی است، به میوه درخت نخل می

۱ - المیزان، محمد حسین طباطبایی، ج ۱۲، ص ۷۲.

۲ - مجمع البیان، فضل بن حسن طبرسی، ج ۶، ص ۷۴.

ماند که شیرین و پرفایده است و همواره و در همه فصول سال می تواند مفید باشد.^۱

البته دو تشبیه دیگر نیز در قرآن کریم از درخت وجود دارد، یکی تشبیه "کلمه خبیثه" به درخت که در سوره مبارکه ابراهیم آیه ۲۶، ذکر شده، و دومی تشبیه مردم کافر به "درخت ملعونه" که در سوره مبارکه اسراء، آیه ۶۰ آمده است.

چون این دو آیه از موضوع بحث خارج است از توضیح آن در اینجا پرهیز می شود.

۴- درخت دوزخی

هرچند درخت باعث ایجاد آسایش و آرامش روحی و جسمی برای آدمی است ولی درختانی در قرآن ذکر شده اند که خداوند ویژگی های آنها را جز عذاب و درد و رنج برای اطرافیان آن درختان نمی داند قرآن کریم یکی از این درختان را به نام "درخت زقوم" معرفی می کند و می فرماید:

﴿أَذِيكَ خَيْرٌ نَزْلًا أَمْ شَجَرَةُ الزَّقْوَمِ إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ طَلْعُهَا كَأَنَّهُ رُؤُوسُ الشَّيَاطِينِ فَإِنَّهُمْ لَا يَكُلُونَ مِنْهَا فَمَا لَوْنٌ مِنْهَا الْبُطُونَ ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا لَشَوْبًا مِنْ حَمِيمٍ﴾^۲

«آیا این [نعمت های بهشتی] بهتر است یا درخت [نفرت انگیز] زقوم؟! ما آن را مایه درد و رنج ظالمان قرار دادیم، آن درختی است که از قعر جهنم می روید، شکوفه آن مانند سرهای شیاطین است، آنها (مجرمان) از آن می خورند و شکم ها را از آن پر می کنند، سپس روی آن آب داغ متعفنی می نوشند.»

۱ - همان، ص ۷۵.

۲ - سوره صافات (۳۷) آیه ۶۲ تا ۶۷.

۵- درختان دنیوی

در آیات بسیاری از قرآن کریم به بعضی از درختانی تصریح شده است که به محیط زندگی انسانها و ابزار و لوازم مورد استفاده آنها تعلق دارند تا از این طریق به هدایت بشر که هدف اصلی قرآن مجید است، بپردازد.

الف: درخت خرما

در قرآن کریم در بیست آیه به نام این درخت (نخل) تصریح شده است،^۱ و این تعداد در مورد هیچ کدام از درختان دیگر سابقه ندارد. این خود بیانگر اهمیت این درخت و میوه و محصول آن در حیات آدمی به ویژه عرب است؛ چه آن که خرما جز معدود میوه هایی است که انواع و اقسام ویتامینهای غذایی را در خود جای داده و سرشار از مواد غذایی ارزنده است و به باور بعضی از مفسران^۲، درخت خرما در قرآن، به شجره طیبه تعبیر شده است.

از مجموع این بیست آیه که در آنها به "درخت خرما" تصریح شده است، یازده مورد آن کلمه "نخل"^۳، هفت مورد آن کلمه "نخیل"^۴ و دو مورد آن کلمه "نخله"^۵ آمده که در همه موارد به نوعی به بحث خداشناسی مرتبط است تا بانگاه دقیق به آن به خالق هستی پی ببرند. اینجا برای حسن ختام بحث، به ذکر دو آیه از آیات اشاره شده اکتفا می کنیم:

۱ - سوره بقره (۲) آیه ۲۶۶؛ سوره انعام (۶) آیات ۹۹-۱۴۱؛ سوره نحل (۱۶) آیات ۱۱-۶۷؛ سوره مریم (۱۹) آیات ۲-۲۵ (به عنوان نمونه).

۲ - مجمع البیان، طبرسی، ج ۶، ص ۷۴؛ المیزان، محمد حسین طباطبایی، ج ۱۲، ص ۷.

۳ - سوره انعام (۶) آیات ۹۹-۱۴۱؛ سوره کهف (۱۸) آیه ۳۲؛ سوره طه (۲۰) آیه ۷۱؛ سوره شعراء (۲۶) آیه ۱۴۸؛ سوره ق (۵۰) آیه ۱۰؛ سوره قمر (۵۴) آیه ۲۰؛ سوره رحمن (۵۵) آیات ۱۱-۶۸؛ سوره حاقه (۶۹) آیه ۷.

۴ - سوره بقره (۲) آیه ۲۶۶؛ سوره رعد (۱۳) آیه ۴؛ سوره نحل (۱۶) آیات ۱۱ و ۶۷؛ سوره اسراء (۱۷) آیه ۹۱؛ سوره مؤمنون (۲۳) آیه ۱۹؛ و سوره پس (۳۶) آیه ۳۴.

۵ - سوره مریم (۱۹) آیات ۲۳-۲۵.

﴿ وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَبَاتٌ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُتَرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِنِّ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ وَالرَّمَانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ انظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ إِنَّ فِي ذَلِكُمْ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴾^۱

«او کسی است که از آسمان آبی نازل کرد و به وسیله آن گیاهان گوناگون رویانیدیم، از آن ساقه‌ها و شاخه‌های سبز خارج ساختیم و از آن‌ها دانه‌های متراکم، و از شکوفه نخل خوشه‌ها با رشته‌های باریک بیرون فرستادیم و باغ‌ها از انواع انگور و زیتون و انار شبیه به یکدیگر و بی شباهت هنگامی که میوه می‌کند به میوه آن و طرز رسیدنش بنگرید که در آن نشانه‌هایی برای افراد با ایمان است.»

مفسر بزرگ علامه طبرسی، واژه "خضر" را سرسبز و پرتراوت "متراکب" را بر هم نشسته و روی هم چسبیده شده، "طلع" را شکوفه "قنوان" را به "زجاج" نسبت داده، به دیگر دیدگاه‌ها نیز می‌پردازد که ظاهراً خودشان هم موافق این دیدگاه است می‌فرماید:

«اما برخی برآنند که منظور از واژه "دانیه" این است: بار درخت خرما بر اثر فراوانی و سنگینی به زمین نزدیک شده باشد. با این بیان منظور این است که برخی از میوه و ثمره درختان خرما سنگین نیز دارای غلاف و پوشش است و تنها درخت خرما از این ویژگی برخوردار نیست، آفریدگار هستی بدان جهت به این مورد اشاره و از دیگر درختان و میوه‌های پوشش دار خودداری کرد که خرما افزون بر این که سرشار از مواد غذایی است، در زندگی انسان نقش و فواید بسیار دیگری نیز دارد.»^۲

علامه طباطبایی "طلع" را به معنای اولین مرحله ظهور خرما بر شاخه‌های

۱ - سوره انعام (۶) آیه ۹۹.

۲ - تفسیر مجمع البیان، فضل بن حسن طبرسی، ج ۸، ص ۱۲۳.

نخل می داند.^۱

آیه دیگری که قرآن کریم در مورد درخت خرما تصریح دارد، به این قرار است:

﴿ وَفِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مُتَجَاوِرَاتٍ وَجَنَاتٌ مِنْ أُغْنَابٍ وَزَرْعٌ وَنَخِيلٌ صِنَوَانٌ وَغَيْرُ صِنَوَانٍ يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَنُفَّضٌ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ فِي الْأُكُلِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ﴾^۲

«در روی زمین قطعاتی در کنار هم قرار دارد که با هم متفاوتند، و [نیز] باغ‌هایی از انگور و زراعت و نخل‌ها، [درختان میوه گوناگون] که گاه بر یک پایه می‌رویند و گاه بر دو پایه [و عجیب تر آن که] همه آن‌ها از یک آب سیراب می‌شوند، و با این حال بعضی آنها را از جهت میوه بر دیگری برتری می‌دهیم، در اینها نشانه‌هایی است برای گروهی که عقل خویش را به کار می‌گیرند.»

دسته‌ای از مفسران قرآن کریم "صنوان و غیر صنوان" را ویژه درخت خرما دانسته‌اند^۳ و دسته‌ای دیگر بین آن دو تفکیک قائل شده بر این باورند که "صنوان" به معنای درختانی است که از تنه اصلی آنها دو تنه می‌زوید و هر کدام به لحاظ شکل ظاهری و طعم میوه با دیگری ناهمگون و مختلف است، و "غیر صنوان" را به معنای درخت و یا خرمایی دانسته‌اند که یک تنه دارد و از یک نوع شاخ و برگ برخوردار است و میوه‌های آن نیز همگون، یک طعم و یک نواخت است.^۴

۱ - المیزان، علامه طباطبایی، ج ۷، ص ۲۸۹؛ قاموس قرآن، علی قرشی، ج ۴، ص ۲۳۱.

۲ - سوره رعد (۱۳) آیه ۴.

۳ - تفسیر القرآن الکریم، عبدالله شبر، ص ۲۵۱؛ تفسیر صافی، فیض کاشانی، ج ۳، ص ۵۷.

۴ - مفردات راغب، باب «ص»، مجمع البیان، فضل بن حسن طبرسی، ج ۶، ص ۱۰؛ المیزان، محمد حسین طباطبایی، ج ۱۱، ص ۲۹۵؛ تفسیر شبر؛ تفسیر الصافی.

انواع و اقسام درخت خرما

تنوع زیستی از شاهکارهای خلقت و از ویژگی های شگفت آور طبیعت است، از جمله درختان و گیاهان که زینت و آرایش دهنده طبیعت اند. درختان و گیاهان ده ها هزار نوع و هر نوع اقسام گوناگونی دارند. درخت خرما نیز خود انواع مختلفی دارد.

کلمه نخل و جمع آن نخیل و نخله در بیست آیه قرآن آمده است. شایان ذکر است که در هشت آیه نام نخل به تنهایی ذکر شده و در دوازده آیه دیگر در کنار میوه هایی مانند زیتون، انار و انگور ذکر شده است. به جز کلمه نخل، نام نوعی خاص از درخت خرما به نام "لینه" در سوره حشر آمده است. در دو جای قرآن کلمه^۱ "نصیر" آمده که به معنای "گودی پشت هسته خرما" است. "قطمیر" کلمه دیگری است که در قرآن^۲ به معنای چیزی بی اهمیت آمده است؛ هرچند در لغت به معنای پوست نازک بین خرما و هسته آن است.

کلمه "نوی" در قرآن کریم^۳ را برخی هسته خرما معنی کرده اند، اما بسیاری از مفسران آن را هسته هر نوع میوه ای می دانند. همچنین کلمه^۴ "عرجون" به معنای چوب هلالی شکل خرماست که خشک شده و به شکل داس در آمده است که در سوره یس هلال ماه به آن تشبیه شده است. کلمات "حبل"^۵ و "دسر"^۶ را برخی لیف خرما معنی کرده اند.^۷

بر پایه گزارش جاحظ در قرن نهم میلادی ۳۶۰ نوع خرما در بازار بصره

۱ - سوره نساء (۴) آیات ۵۳ و ۱۲۴.
 ۲ - سوره فاطر (۳۵) آیه ۱۳.
 ۳ - سوره انعام (۶) آیه ۹۵.
 ۴ - سوره یس (۳۶) آیه ۳۹.
 ۵ - سوره مسد (۳۶) آیه ۵.
 ۶ - سوره قمر (۵۴) آیه ۱۳.
 ۷ - فرهنگ جهاد، شماره ۳، سال ۱۳۷۵، ص ۱۱۳.

موجود بوده و در پی نوآوری های مسلمانان در کشاورزی و ابداعات گسترده آنان، یک قرن بعد از گزارش جاحظ، بر پایه نوشته ابن وحشیه در الفلاحة النبطية انواع خرما در عراق قابل شمارش نبوده است.

سمهودی در کتاب تاریخ مدینه نوشته است: انواع خرماها در مدینه بسیار زیاد بوده و تنها بیش از صد و سی نوع خرمای صیحانی وجود داشته است.^۱

لقاح طبیعی درخت خرما

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

﴿وَأَرْسَلْنَا الرِّيَّاحَ لَوَاقِحَ...﴾^۲

«ما بادهای بارور کننده را فرو فرستادیم.»

اگر نخل نر را در وسط نخل های ماده غرس کنی، با وزش بادهای نخل های ماده، بوی نر را استشمام کرده و چه بسا همین بادهای موجب گرده افشانی و لقاح طبیعی شده و تمامی نخل های اطراف را بارور کنند، و اگر نخل نر و ماده را در جوار یکدیگر غرس کنی، میوه های نخل ماده فراوان تر خواهد شد، زیرا آنها به مجاورت با هم مأنوس اند و اگر این انس و الفت را قطع کنی، نخل ماده از درد فراق، بی ثمر خواهد شد.^۳

سودمندیهی خرما و تناسب آن با بدن انسان

بر طبق روایات متعدد^۴، خرما با بدن انسان تناسب بسیار دارد؛ چون خرما را خداوند از باقی مانده خاک و گل آدم - علیه السلام - خلق کرده، لذا این تناسب و هماهنگی میان بدن انسان و خصوصیات خرما بوده است، و معصومان - علیهم

۱ - لطافت، دل انگیزی و سودمندی های طبیعت، سید علی حسینی، ص ۸۱.

۲ - سوره حجر (۱۵) آیه ۲۲.

۳ - فرهنگ جهاد، شماره ۱۲، به نقل از کتاب رساله نخل، ابن وحشیه، ص ۱۴۷.

۴ - ر.ک: لطافت، دل انگیزی و سودمندیهی طبیعت، سید علی حسینی.

السلام - آن را بسیار تناول می فرمودند و سفارش تناول به دیگران نیز داشتند.
دکتر فاروقی می گوید: خرما، بهترین ماده غذایی برای انسان است، در خرما شامل بیش از ۶۰٪ قند تبدیل شده به دکستروز به اضافه ویتامین A و B و C وجود دارد.^۱

روایت تفسیری درباره درخت خرما

در بعضی از تفاسیر روایی در ذیل آیه شریفه:

﴿ وَهَزَىٰ إِلَيْكَ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رَطْبًا جَنِيًّا فَكُلْهُ وَاشْرَبْهُ وَ قَرَىٰ عَيْنًا ﴾^۲

روایات زیبایی درباره سودمندی خرما برای زنان حامله و بعد از وضع حمل نقل کرده‌اند: رسول الله - صلی الله علیه وآله - فرمودند:

«اطعموا نساءکم فی نفاسهن التمر، فانه من کان طعامها فی نفاسها التمر خرج ولداً حليماً فانه طعام مريم حيث ولدت عيسى - عليه السلام -...»^۳
«به زنان در دوران حاملگی، خرما بخورانید، هر زنی در دوره بارداری خوراکش خرما باشد، فرزندش بردبار خواهد شد. [چون] خوراک حضرت مریم در هنگام تولد عیسی - علیه السلام - خرما بود.»

امیر المؤمنین، علی - علیه السلام - فرمود:

«ما تاكل الحامل من شیء و لاتتداوی به افضل من الرطب قال الله المريم ﴿ وَهَزَىٰ إِلَيْكَ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رَطْبًا جَنِيًّا ﴾^۴.»
«هیچ غذا و دارویی، زن حامله نمی خورد که بهتر از خرما باشد،

۱ - لطافت، دل انگیزی و سودمندیهای طبیعت، سید علی حسینی، ص ۷۸.

۲ - سوره مریم (۱۹) آیه ۲۵.

۳ - مجمع البیان، ج ۶، ص ۴۱۸؛ الکشاف، الزمخشری، ج ۳، ص ۱۵.

۴ - نور الثقلین، علی بن جمعه العروسی، ج ۴، ص ۳۶۱؛ المیزان، ج ۱۴، ص ۵۲؛ الدر المشور،

سیوطی، ج ۵، ص ۵۰۴؛ تفسیر روایی رضوان، سید جواد رضوی، ص ۳۰۷.

برای همین است که خدای تعالی به مریم فرمود: «این تنه نخل را به طرف خود تکان ده، رطب تازه‌ای بر تو فرو می‌ریزد.»

ب: درخت انگور

پس از درخت خرما، بیشترین یاد کرد درختان در قرآن کریم از درخت انگور است، به طوری که یازده مرتبه نام این درخت با کلمات "عنب"^۱ و "اعناب" آمده است.^۲

﴿يُنْبِتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ...﴾^۳

«خداوند با آن (آب باران) برای شما زراعت و زیتون و نخل و انگور می‌رویانند...»

در تفسیر نمونه در ذیل این آیه شریفه آمده است:

«... در مورد انگور به گفته دانشمندان غذا شناس به قدری عوامل موثر دارد که می‌توان گفت، یک داروخانه طبیعی است! علاوه بر این انگور از نظر خواص، بسیار نزدیک به شیر مادر است، یعنی یک غذای کامل محسوب می‌شود، انگور دو برابر گوشت، در بدن حرارت ایجاد می‌کند، و علاوه بر این ضد سم است، برای تصفیه خون، دفع رماتیسم، نقرس و زیادی اوره خون، اثر درمانی مسلمی دارد، انگور معده و روده را لایروبی می‌کند، نشاط آفرین و بر طرف‌کننده اندوه است اعصاب را تقویت کرده، و ویتامین‌های مختلف موجود در آن به انسان نیرو و توان می‌بخشد. انگور علاوه بر این که غذای بسیار پرارزشی است، قدرت میکروب‌کشی

۱ - سوره اسراء (۱۷) آیه ۹۱؛ سوره عبس (۸۰) آیه ۲۸.

۲ - سوره بقره (۲) آیه ۲۶۶؛ سوره انعام (۶) آیه ۹۹؛ سوره رعد (۱۲) آیه ۴؛ سوره نحل (۱۶) آیه ۱۱ - ۶۷؛ سوره کهف (۱۸) آیه ۳۲؛ سوره مومنون (۲۲) آیه ۱۹؛ سوره یس (۳۶) آیه ۳۴؛ سوره نبأ (۷۸) آیه ۳۲.

۳ - سوره نحل (۱۶) آیه ۱۱.

قابل ملاحظه‌ای دارد و حتی عامل موثری است برای مبارزه با بیماری سرطان، به همین دلیل در حدیثی از پیامبر - صلی الله علیه وآله - آمده که می‌فرماید: «خیر طعامکم الخبز و خیر فاکهتکم العنب»، بهترین طعام شما نان و بهترین میوه شما انگور است.^۱»

ج: درخت زیتون

کلمه «زیتون» که هم به درخت و هم به میوه زیتون اطلاق می‌شود، در مجموع شش بار در قرآن کریم مورد استفاده قرار گرفته است. یک بار به صورت «زیتونه»^۲ و بقیه به صورت «زیتون»^۳. البته یک بار^۴ هم به صورت غیر مستقیم به درختی اشاره دارد که در کوه سینا می‌روید و روغن می‌دهد که منظور همان درخت زیتون است.^۵ در اهمیت آن همین بس که اولاً در کتاب خالق حکیم از آن یاد شده و ثانیاً در یک سوره از سوره‌های این کتاب آسمانی به نام آن، سوگند یاد شده است.

حضرت آیت الله مکارم در جواب این سوال که چرا در میان انواع میوه‌ها، بالخصوص روی نخل و انگور و زیتون تکیه شده است؟ می‌فرماید:

«از نظر تحقیقات علمی محققان، کمتر میوه‌ای وجود دارد که برای بدن انسان به اندازه این سه میوه مفید و موثر باشد.»^۶

اولین درختی است که بعد از طوفان نوح روید و پیامبران در حق آن دعا کرده اند که درخت پر برکتی باشد، درخت زیتون بود.^۷

۱ - تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ج ۱۱، ص ۱۷۵.

۲ - سوره نور (۲۴) آیه ۳۵.

۳ - سوره انعام (۶) آیه ۹۹ و ۱۴۱؛ سوره نحل (۱۶) آیه ۱۱؛ سوره تین (۹۵) آیه ۱؛ سوره عبس (۸۰) آیه ۲۹.

۴ - سوره مومنون (۲۳) آیه ۲۰.

۵ - تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ج ۱۴، ص ۲۲۰؛ فرهنگ جهاد، شماره ۳۵، ص ۱۳۷.

۶ - تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ج ۱۴، ص ۲۲۱.

۷ - همان، ص ۴۸۷.

مفسران، روایاتی را در ذیل سوره مبارکه "تین" آورده‌اند که منظور از "زیتون" در روایتی بیت المقدس و در روایت دیگر امام حسن و امام حسین - علیهما السلام - است.^۱

د: درخت انار (رمان)

"رمان" که همان انار است سه بار در قرآن کریم آمده است که دو^۲ بار آن راجع به انار دنیاست و با الف و لام آمده و^۳ سوّمی راجع به انار بهشتی است که نکره آمده که از آن فهمیده می‌شود که انار بهشتی انار به خصوصی است و مانند انار دنیا نیست.^۴

در تفسیر نمونه در ذیل آیه ۹۹ سوره انعام درباره خصوصیت انار بحث مفصّلی دارد، از جمله این که اگر یک انار را بکشایم و یک دانه کوچک آن را به دست گرفته و در مقابل آفتاب قرار دهیم و به آن با دقت نگاه کنیم می‌بینیم از قسمت های کوچکتری تشکیل شده که همانند بطری های بسیار کوچکی با محتوای مخصوص آب انار به هم چسبیده شده اند، سپس اطراف آن ها را با پوسته ظریف که همان پوسته شفاف یکدانه انار است گرفته، بعد برای این که این بسته بندی کاملتر و محکمتر و دورتر از خطر باشد تعدادی از دانه های انار را روی یک پایه با نظام مخصوصی چیده و پرده سفید رنگ نسبتاً ضخیمی اطراف آن پیچیده، و بعد پوسته ضخیم و محکمی که از دو طرف دارای لعاب خاصی است به روی همه آنها کشیده، تا هم از نفوذ هوا و میکروب ها جلوگیری کند و هم در مقابل ضربات آنها را حفظ کند و هم تبخیر آب درون دانه ها را فوق العاده کم کند.

۱ - البرهان، سید هاشم بحرانی، ج ۸، ص ۳۱۹؛ نور الثقلین، علی بن جمعه العروسی، ج ۸،

ص ۲۳۷ و ۲۳۸؛ المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲۰، ص ۳۲۱ و ۳۲۲.

۲ - سوره انعام (۶) آیات ۹۹، ۱۴۱.

۳ - سوره رحمن (۵۵) آیه ۶۸.

۴ - قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، ج ۳، ص ۱۲۴.

این بسته بندی بسیار ظریفتر و جالبتر انار از میوه های دیگر است.^۱
انار برای تصفیه خون و تقویت عضلات قلب و کلیه، اشتهای غذا، رفع اوره و
کلسترول، دفع سموم و تعادل مایعات بدن به خصوص خون، شادی رنگ رخسار،
تقویت کبد، درمان یرقان (زردی)، کاهش فشار خون (با انار ترش و شیرین)
معالجه راشیتیس، کم خونی و ضعف اعصاب و نیرو بخشیدن به بدن، مفید است
و اینها از خواص این ماده غذایی است.^۲

امام صادق - علیه السلام - می فرماید:

«میوه ها یکصد و بیست رنگ دارند بهترین آنها رنگ انار است.»

امام باقر و امام صادق - علیهم السلام - می فرمایند:

«هیچ میوه های بر روی زمین محبوبتر از انار نزد رسول خدا - صلی الله

علیه وآله - نیست و قسم به خدا، وقتی که آن حضرت انار تناول می

فرمود هیچ کسی را به آن تعارف نمی فرمود.»

در روایت دیگر امام صادق - علیه السلام - می فرماید:

«من اصلاً خوشحال نمی شوم وقتی انار می خورم شخص دیگری از آن

بخورد، چون یکی از دانه های انار، بهشتی است، پس اگر کافری انار را

بخورد خداوند توسط یک فرشته، آن دانه بهشتی را از آن برمی دارد.»^۳

هـ: درخت انجیر (تین)

در قرآن کریم فقط یک بار کلمه "تین" آمده است که این یگانه یادآوری در کتاب
خالق حکیم اهمیت بسیاری دارد. خداوند به "تین" سوگند یاد می کند و می
فرماید:

۱ - تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ج ۵، ص ۲۷۲ - ۲۷۳.

۲ - روزنامه جام جم، چهارشنبه ۱۲ تیر ۱۳۸۷، ص ۵، بخش سلامت.

۳ - نور الثقلین، ج ۷، ص ۲۲۵؛ تفسیر الصافی، ج ۵، ص ۱۱۵.

﴿وَالَّتَيْنِ وَ الزَّيْتُونَ وَ طُورِ سَيْنِينَ...﴾^۱

بعد از این سوگندها می فرماید:

﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ﴾^۲

«آدمی به بهترین نظام خلقت، خلق کردیم.»

علامه طباطبایی در ذیل این آیه نوشته است:

«مراد از کلمه "تین" و "زیتون" دو میوه معروف است، که خدای تعالی به

آنها سوگند یاد کرده، به خاطر این که در آنها فواید بسیار و خواص و

منافعی [برای انسان] سراغ داشته است.»^۳

ابوالعلاء مؤدودی در تفهیم القرآن معتقد است سوگند خداوند به انجیر و

زیتون در این آیه اشاره به شام و فلسطین است که پر از باغ‌های وسیع انجیر و

زیتون است و پیامبران بسیار در این دو شهر زاده شده‌اند.^۴

زمخشری می‌نویسد: روایت شده است که روزی طبقی از انجیر به ساحت

پیامبر گرامی اسلام - صلی الله علیه و آله - هدیه داده شد، آن حضرت مقداری از

آن تناول فرمود و سپس اصحاب خود را به خوردن انجیر دعوت نمود و فرمود:

«اگر بگویی این میوه از بهشت آمده است، هر آینه خواهم گفت: همین

طور^۵ است، چون میوه بهشتی هسته ندارد. پس بخورید؛ زیرا انجیر مرض

بواسیر را می خشکاند و برای [دفع]^۵ تقرس موثر است.»

«تین» چه اشاره به درخت باشد، چه اشاره به جایی که این درختان می

رویند، به سبب اهمیتی که برای انسان دارند، نام آن در قرآن کریم آمده است.

۱ - سوره تین (۹۵) آیات ۱ - ۲.

۲ - سوره تین (۹۵) آیه ۴.

۳ - المیزان، سید محمد حسین طباطبایی، ج ۲۰، ص ۵۳۹؛ الکشاف، ج ۴، ص ۷۷۳.

۴ - فرهنگ جهاد، شماره ۳، ص ۱۱۴، به نقل از گیاهان در قرآن، حسین فاروقی؛ المیزان،

ج ۲۰، ص ۵۳۹.

۵ - تقرس مرضی است مزمن و غالباً ارثی که به شکل التهاب مفصل شست پا به طور ناگهانی

بروز می‌کند و چند شب متوالی ادامه می‌یابد و بعد خوب می‌شود و پس از مدتی مجدداً عود

می‌کند. فرهنگ فارسی، محمد معین، ۱۵۴۰.

و: درخت سدر

در قرآن مجید چهار بار کلمه «سدر» و «وسدره» آمده است: دوبار به صورت «سدر»^۱ و دو بار هم به صورت «سدره»^۲.

سدر درختی است تناور و خاردار که بلندی اش تا چهل متر می رسد. می گویند تا دو هزار سال عمر می کند، میوه آن بشکل سنجد و بعد از رسیدن سرخ یا زرد رنگ و شیرین می شود و برگ آن را پس از خشک کردن می ساینند و در حمام بدن خود را با آن شست و شو می دهند.^۳

دکتر محمد حسین فاروقی می نویسد: اغلب مفسران و مترجمان قرآن به زبان انگلیسی سدره «کنار» را «کنار» می دانند و این سوء تعبیر تاریخی است که تا به امروز به طور مداوم برگیهائی محلی اطلاق شده است بلکه سدره قرآن همان درخت سدر لبنان است.^۴

قرآن کریم می فرماید:

﴿فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِنِ
أَكْلِ خَمِطٍ وَأُتْلُ وَ شَيْءٍ مِّن سِدْرٍ قَلِيلٍ﴾^۵

«اما آنان [از حق و عدالت] روی گرداندند، و ما [هم] سیل [ویرانگر] آن
سد [عظیم] را [به کیفر حق ناپذیریشان] بر آنان فرستادیم، و باغ [پر
نعمت و زیبای] آنان را به دو بوستانی که [تنها] میوه تلخ و درخت شوره
گز و اندکی از درخت سدر داشت، تبدیل ساختیم.»

۱ - سوره سبأ (۳۴) آیه ۱۶؛ سوره واقعه (۵۶) آیه ۲۸.

۲ - سوره نجم (۵۳) آیات ۱۴ و ۱۶.

۳ - قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، ج ۳، ص ۲۴۶.

۴ - فرهنگ جهاد، شماره ۳، ص ۱۵۴، به نقل از گیاهان در قرآن، حسین فاروقی، ترجمه احمد
نمایی.

۵ - سوره سبأ (۳۴) آیه ۱۶.

بعضی از مفسران^۱ می‌نویسند:

"خمت و اثل" - دو بوستانی که دارای میوه‌های تلخ و درخت شوره‌گز بود - به باور ابن عباس "خمت" درخت "اراک" است، یا "خمت" درخت خاردار. قتاده می‌گوید: "اثل" به نوعی از چوب گفته می‌شود و درختان آنان از بهترین درختان بود که به کیفر کردارشان به بدترین درختان و تلخترین درختان تبدیل گردید.

گروهی از مفسران^۲ دیگر نیز در ذیل آیه شریفه ﴿فی سدر مخضود﴾ می‌نویسند: سدر نام درختی است که میوه‌اش را عرب «نبق» و فارس آن را «کنار» می‌نامد و «مخضود» هر شاخه‌ای است که تیغش بریده شده باشد و دیگر خاردار نباشد. سدر درختی است که خار ندارد یا این که به سبب سنگینی میوه و ریختن خارهایش خمیده است.

این آیه درباره بهشت است و کلمه "سدر" در آیه نکره است. یعنی سدر خاص بهشتی را با سدر دنیا نمی‌شود مقایسه کرد و مراد از آیه ظاهراً میوه سدر است تا درخت آن.

دکتر فاروقی می‌گوید: "سبا" که اکنون "یمن" نام دارد، زمانی سرزمین بسیار زیبا، پر نعمت و حاصل خیز در جنوب عربستان بود، چون دریایی قابل ذکر در آن منطقه نبود، سد بزرگی برای ذخیره آب باران ساخته بودند. در سال ۵۴۲م، یعنی چند سال قبل از ظهور اسلام، ناگهان این سد فروریخت و سبب از بین رفتن نخلستان‌ها، تاکستان‌ها و دیگر باغ‌های میوه‌شد، پس از این واقعه تنها درختان تنومند "خمت" (اراک) "اثل" (گز) و "سدر" (سدر لبنانی) باقی ماندند. آیه ۱۵ و ۱۶ سوره سبا اشاره به این حادثه دارد.^۳

۱ - مجمع البیان، فضل بن حسن طبرسی، ج ۸، ص ۲۱۰.

۲ - المیزان، محمد حسین طباطبایی، ج ۱۹، ص ۱۲۳؛ مجمع البیان، فضل بن حسن طبرسی، ج ۹، ص ۳۶۴؛ قاموس قرآن، ج ۳، ص ۲۴۷.

۳ - گیاهان در قرآن، دکتر محمد اقتدار حسین فاروقی، نقل از فرهنگ جهاد، شماره ۳، ص ۱۱۶.